

ایران

مساحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

آذان ظهر ۱/۵۰ | آذان مغرب ۱۷/۴۶ | نیمه شب شرعی ۲۳/۰۸ | آذان صبح فردا ۴/۴۹ | طلوع آفتاب فردا ۶/۱۲

بهترین یاران کسی است که ناسازگاری اش اندک باشد و سازگاری اش بسیار.
سخن روز
تنبيه الخواطر، ج ۲، ص ۱۲۳

نگاره

پریسا نور اللهی



هنر مندان در فضای مجازی	
صفحات اهالی فرهنگ و هنر طی یکی دوروز گذشته با مطالبی همچون شادباش زادروز برخی چهره‌های سرشناس این عرصه‌ها همراه بود، بزرگانی که در رأس آنها می‌توان به جواد مجابی اشاره کرد. اطلاع‌رسانی درباره وضعیت تولید فیلم‌هاو سریال‌های در حال پخش و همچنین حضور بین المللی فیلم «تی‌تی» به کارگردانی «آیدا پناهنده» هم در این بین به چشم می خورد.	

■ نامزدی امیرجدیدی در جایزه آسیا پاسیفیک

حضور بین‌المللی فیلم «قهرمان» به کارگردانی اصغر فرهادی در جشنواره‌های خارجی، طی روزهای اخیر بخشی از مطالب فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی را به خود اختصاص داده. امیرجدیدی که خود یکی از بازیگران این فیلم است پستی با این مضمون منتشر کرده که: «قهرمان در نامزدی جوایز آسیا پاسیفیک با نامزدی امیرجدیدی در رشته بهترین بازیگر نقش اول مرد پیشتاز شد؛ قهرمان در چهار رشته

اصلی جوایز آسیا پاسیفیک نامزد شد.» او در بخش دیگری مطلبی به نقل از «دد لاین» آورده که:«فیلم قهرمان به کارگردانی اصغر فرهادی در کنار (فیلم ماشینم را بران) به کارگردانی ریوسوکه، بیشترین تعداد نامزدی را در این دوره از جوایز آسیا پاسیفیک کسب کرده‌اند.» همان‌طور که خود اصغر فرهادی هم پیش‌تر در صفحه اینستاگرام خود اطلاع‌رسانی کرده بوده، قهرمان نامزد دریافت جوایز بهترین فیلم (اصغر فرهادی و الکساندر ماله گی) بهترین کارگردان (اصغر فرهادی)، بهترین فیلمنامه(اصغر فرهادی) و بهترین بازیگر نقش اول مرد (امیر جدیدی) است.

■ چهره‌ها

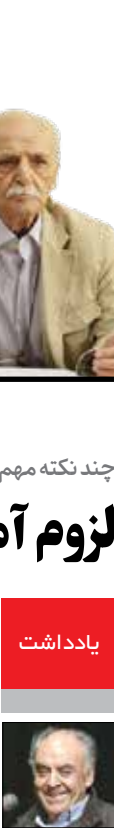
اسدالله امرایی، مترجم و روزنامه نگار تصویری از جواد مجابی، هنرمند و نویسنده پیشکسوت کشورمان منتشر کرده و زادروز ۸۲ سالگی‌اش را تبریک گفته، او نوشته:«شادباش به مردی که هنوز سر بر خط عاشقی قلم دارد. امروز زادروز نویسنده، شاعر و منتقد طنزپرداز روزگار ماست. بی‌هیچ نیاز به تعریف و تمجید. سعادت‌ای است برای نسل ما که روزگارش را درک کرده‌ایم. زادروز دکتر جواد مجابی بر همه عاشقان ادب فارسی مبارک.» صفحه انتشارات ثالث هم با پست مشابهی این روز را تبریک گفته و نوشته:«چند ماه پیش که خبر ابتلای ایشان به کرونا پیچید، نگرانی بسیاری از اهالی ادبیات دوباره نشان داد که او تاچه اندازه در نظر هم محبوب و قابل احترام است.»

شبنم مقدمی، بازیگر سینما و تلویزیون هم پوسترى از فیلم «پسران دریا» به کارگردانی افشین هاشمی در صفحه شخصی‌اش منتشر کرده و نوشته:«فیلم سینمایی پسران

■ خبر

مؤسسه فرهنگی – آموزشی بهاران، پستی شامل اطلاع‌رسانی درباره کلاس‌های آموزشی فریدون صدیقی، از چهره‌های پیشکسوت روزنامه نگاری منتشر کرده است. بر اساس اطلاعات درج شده در این پست، این چهارمین کارگاهی است که به آموزش صدیقی برپا می‌شود و عنوان آن نیز جهان پرشش، تکنیک‌های مصاحبه و سبک‌های تنظیم آن است. این دوره آموزشی سه‌شنبه هر هفته، از ساعت ۱۸ تا ۲۰ برگزار می‌شود و شروع آن نیز از نیمه دوم آبان ماه خواهد بود. گفتنی است که تمامی کلاس‌ها تئوری و عملی خواهند بود و در پایان نیز مدرک معتبر و مشترک دانشگاهی اعطا می‌شود.

یادداشت



علی اصغر شاه زیدی خواننده و داور پانزدهمین جشنواره ملی موسیقی جوان

این جشنواره باید بگویم بسیاری از جوانان علاقه‌مند به موسیقی آوازی و همچنین دوستداران آقای شجریان متأسفانه به تقلید از صدای این استاد بزرگ می‌پردازند و این اتفاق خوبی نیست. اگر نگاهی به موسیقی آوازی ایران قبل از انقلاب داشته باشیم، خواهیم دید در آن دوران هیچ هنرمندی کارش مانند دیگری نبود و هر هنرمندی سبک و شیوه خاص خود را داشت اما متأسفانه در گروه سنی (ج) شاهد هستیم این آسیب بسیار زیاد است و متأسفانه جوانان همچنان به الگوبرداری و تقلید از استادان می‌پردازند. به‌همین دلیل تأکید دارم که باید در ابتدا تقلید را که آسیب بسیار بزرگی در هنر این مملکت است ریشه کن کنیم و مانع رشد آن شویم و نکته مهم دیگر اینکه برخی جوانان که چندان هنری در آواز خواندن ندارند خود را استاد معرفی می‌کنند و این رنگ خطر بزرگی است و مردم هم بی‌اطلاع

رؤیای جهانی شدن تئاتر ایران

با آنکه اجرای تئاتر در بیست‌وپنج سال اخیر پیشرفت‌های چشمگیری داشته اما هنوز هم تئاتر ما نتوانسته در جهان از جایگاه معتبری مه‌اندن سینمای ایران برخوردار باشد، شاید یکی از اصلی‌ترین دلایل آن هم به نمایشنامه‌نویسی برگردد که هنوز اجرهای ما با سازوکار بهتری برای ایجاد برابری‌هایی با ادبیات نمایشی برخوردار نشده و اگر هم غیر از این باشد، شاید این متون ترجمه نشده‌اند که جهان را متوجه خود سازد و شاید هم هنوز آن اراده و جزم و عزم ملی برای شکل گرفتن یک تئاتر توانمند و خلاق در سطح جهانی ممکن نشده است و از همه مهمتر اینکه بین این زبان اجرایی پیشرفته و آن متون ایرانی مجهول و مغفول هنوز هماهنگی‌های لازم برای به وجود آمدن یک تئاتر ایرانی ویژه‌تر ممکن نشده است.

به هر تقدیر، همه اهل تئاتر و هم هواداران فرهنگ و هنر ایرانی حس می‌کنند پتانسیل‌های لازم هم در اجرا و هم در زمینه نمایشنامه‌نویسی وجود دارد اما در یکتایی این دو شاید هنوز کوتاهی صورت گرفته که بشود در ترکیب متن و اجرا به‌نوعی تئاتر بی‌بدیل و خلاق دست یافت که کل جهان متوجه یک نوع انرژی بی‌بدیل از سوی اجراگران ایرانی بشوند که این جماعت نیز پس از سال‌ها تلاش پیوسته دارند برای خودشان از اعتبار و جایگاهی برخوردار می‌شوند که هم چشمگیر است و هم نوآورانه است و هم از اصالت و هویت ملی برخوردار است؛ اما هنوز یک حلقه مفقوده در این میان است که بشود در یافتن و اتکای به آن، خیلی زودتر از این پتانسیل‌های موجود بهره‌مند شد که یک تئاتر ایرانی را به تماشا گذاشت. کافی است درنگی شود به آثار کارگردانی‌چون امیرضا کوهستانی، حمیدرضا نعیمی، فرهاد مهندس‌پور، مسعود دلخوا، محمد رضایی راد، جلال تهرانی، حمیدرضا آذرنگ، حمید پورآذری، علیرضا نادری، محمد یعقوبی، حسین کیانی، رضا ثروتی، علی اصغر دشتی، ابراهیم پشت کوهی، حامد محمد طاهری، کیومرث مرادی، محمد عاقبتی، کوروش نریمانی، بویاسعیدی و مسعود صرامی، محمد رحمانیان، افروز فروزان، زهرا صبری، همایون غنی‌زاده، رضا گوران، محمدمسالوات، اشکان خیل‌نژاد، مصطفی کوشکی، علی عابدی، علی نرگس‌نژاد، پارسا پیروزفر، شهاب حسینی‌پور، جابر رضضانی، فرهاد تجویدی، محمودرضا رحیمی، هستی حسینی، رسول کاهانی، ارژش دادگر، هومن رهنمون، لیلی عاج، یاسر خاسب و بسیاری دیگر که نامشان در این مجال نیامده، در همین یک ربع قرن حضور خلاقانه بر صحنه تئاتر داشته‌اند و در ژانر‌ها و شیوه‌های گوناگونی کار کرده‌اند اما با این همه تلاش انگار که هنوز تئاتر ما اندر خم یک کوچه است و هنوز پا از این آستانه به جهان دیگر برای شناساندن خود برنداشته است. با آنکه دانشگاه‌ها و

دانشکده‌های هنری و تئاتری بسیار زیادتر شده و در ترجمه متون نظری و نمایشی تلاش‌های بسیاری شده و بسیاری هم موفق به تداوم تحصیلی خود در رشته تئاتر در دیگر کشورهای صاحب تئاتر شده‌اند و در اکثر مواقع نیز ایشان به ایران برگشته‌اند اما آن بازوری و شور و شکوه برای تئاتر ایران ممکن نشده و هنوز به اندازه یک برگ برگ برنده تگانه‌ای بی‌مثال برای تئاتر کشورمان رخ نداده است. با آنکه بارها امیررضا کوهستانی، آتیلا پسیانی، یاسر خاسب، حضور بین‌المللی داشته‌اند و حتی علی اصغر دشتی، امیررضا کوهستانی و حمیدرضا پورآذری در کشورهای دیگر کار مشترک تولید کرده‌اند و حتی کوهستانی و علیرضا کوشک جلالی چند سالی است که در آلمان یک فعال تئاتری اند و هزاران اتفاق ریز و درشت که شاید به تنهایی امیدوارکننده و کورسویی باشند برای رشد و شکوفایی تئاتر ما در سطح جهانی اما هنوز هم این حس بزرگ رقم نخورده است و ما در رؤیای جهانی شدن به سر می‌بریم. رؤیایی که به ناچار شدنی است و شاید در همین آغاز سده تازه خورشیدی که تداوم این مسیر با راه‌اندازی تالارهای خصوصی استاندارد و داشتن مراودات بین‌المللی در تئاتر فجر و دیگر بهانه‌ها و جشنواره‌ها و فرستادن کارهای ایرانی بیشتر به جشنواره‌های دیگر کشورها و داشتن مراودات تاحد تولید کارهای مشترک و بسیاری برنامه‌های امیدوارکننده دیگر ما را در این مسیریاری دهد.

تمام آرزویم برای جوان‌ها یک امنیت شغلی است

حمید منوچهری؛ از هر کدام از بچه‌های رادیو که سؤال کنید یکسری گرفتاری‌هایی دارند که می‌خواهند این گرفتاری‌ها برطرف شود. یک خانه ۵۰متری نزدیک به پنج میلیون اجاره و نزدیک به ۵۰ میلیون یا ۶۰ میلیون پیش قسط دارد، جوان‌ها از کجای می‌خواهند بیاورند؟ اگر به من باشد می‌خواهم برای تمامی بچه‌ها و جوان‌های عزیزمان که با تمام وجودشان آمده‌اند و عاشق کار دوبله و رادیو... هستند مسکن بدهند. اگر مسکن بدهند، دیگر هیچی نمی‌خواهند. هر کدام از این جوان‌ها که دست رویشان بگذاری، ندارند، چون پدران این عزیزان هم نمی‌توانستند برایشان مهیا کنند. همه مدیران اگر احیاناً مسکن دارند می‌دانند که تمامی آسایش‌های تو‌اند در مسکن باشد؛ مسکن که باشد خیلی کارهای می‌توانند انجام دهند. نزدیک به ۴۰ سال است تمام آرزویم برای جوان‌ها یک امنیت شغلی است. این امنیت خیلی لازم است. اگر این امنیت باشد تمامی جوان‌های می‌توانند نفس بکشند و در تمامی کارها زایش‌های بسیار بزرگ داشته باشند. اما اگر مسکن نداشته باشند، فکرشان هزارویک جا هست، غیر از جایی که باید باشد. آرزوی منم همه جوان‌ها خوب و خوش و خرم بوده و از حداقل‌ها برخوردار باشند تا بعد بتوانند در کار هنری که طرفش آمدند و با آن زندگی می‌کنند، به جایگاهی برسند که حششان است.

بخشی از صحبت‌های این دوبلور و بازیگر باسابقه در گفت‌وگو با ایبسا

چند نکته مهم در حاشیه پانزدهمین جشنواره ملی موسیقی جوان

لزوم آموزش رایگان موسیقی به جوانان مستعد

از این موضوع و آشنایی با این حوزه، مسیر این جوانان را دنبال می‌کنند و بر این باورند این جوانان در حرفه خود استاد هستند. جوانان باید آثار استادان موسیقی گذشته خود را گوش کنند و نقاط ضعف و مثبت آن را بسنجند و نکات مثبت آن را دریافت کرده و از نکات ضعف آن عبور کنند؛ اما متأسفانه برخی جوانان توجهی به این موضوع ندارند و به دنبال کارهایی آسان هستند و می‌خواهند بدون زحمت روی صحنه بروند و مردم تشویق‌شان کنند و به دنبال ریشه کار نبینند. این در حالی است که موسیقی آوازی سخت‌ترین رشته موسیقی است و یک خواننده علاوه بر داشتن تبحر و استعداد باید با ادبیات و شعر نیز خوبی آشنا باشد؛ نکته‌ای که بسیار مورد توجه بزرگان موسیقی بود استادانی همچون تاج اصفهانی که به تمامی این نکات ریز آوازی آگاه بود. در خصوص تأثیرگذاری جشنواره موسیقی جوان و استقبال آن از سوی خانواده‌ها باید بگویم بارها شاهد این موضوع بوده‌ایم که برخی خانواده‌ها که فرزندانشان مقام و رتبه‌ای در جشنواره به‌دست نیاورده‌اند گلابه دارند که حق فرزندشان سلب شده و بهتر است این صحبت‌ها در کارهای ماندگار و حساس مطرح نشود و به تشویق و حمایت از برگزار کنندگان آن بپردازند و از عزیزانی چون هومان اسعدی که چندین سال دبیری این جشنواره را برعهده داشته و تلاش بسیاری در این زمینه انجام داده قدرانی نشود. در آخر باید بگویم پانزده دوره از برگزاری این جشنواره می‌گذرد و داوران بسیاری که هر کدام از استادان شناخته شده موسیقی ایران هستند در این جشنواره حضور داشته و حامی این جشنواره بوده‌اند بر این اساس باید برای بهبودی و پیشرفت کار از این جشنواره همچنان حمایت کنیم و این جشنواره را اتفاق مثبتی برای آینده جوانان بدانیم و این همان نقطه امیدی است که داوران همچنان پشتیبان این جشنواره هستند.

ماجرای بودن بواسطه تمام «نبودن»‌ها

«جهان مثل قصه نیست که بشود یک روز از جایی بروی و هیچ وقت برنگردی.» می‌شود گفت که قصه این جمله لایه‌لای سطر به‌سطر «نبودن»، نوشته مهدی زارع به چشم می‌خورد. رمان تازه نویسنده که توسط نشر سوره مهر روانه بازار شده و یادآور لحظه‌هایی است که به شکلی نبودشان باعث شده تا انگار همیشه باشند و مدام مرورشان کنیم.

قصه «نبودن» ماجرای منصور، تخریب‌چی را تعریف می‌کند که تصمیم داشت تا بدون حتی یک تیر در جنگ حضور داشته باشد تا آدم‌ها و کشورش دفاع کند. حالا سال‌ها از آن ماجرا گذشته و امروز او وامنده و پویا جامانده‌اش و عشقی که اینجا به چند شکل حضور دارد. در بخشی از داستان با عشقی مواجه می‌شویم که فقط دوست او باورش دارد نه حتی خودش و در بخش دیگر هم عشق پنهانی را می‌بینیم که منصور محس می‌کند اما می‌خواهد نادیده‌اش بگیرد. در همه اینها نبودن حرف اول را می‌زند، تا جایی که شخصیت‌های جانبی ماجرا مثل خاله منصور یا پرستار و رفیق اونیز، هر کدام به‌شکلی درگیر این مساله هستند؛ یکی با دخترش که اینجا تنها یک خیال است و دیگری با جای خالی عشق و خانواده‌ای که نشد داشته باشد. داستان‌ها هم با اعلام نبودن پای چپ منصور شروع می‌شود، آن هم وقتی که کلافگی‌اش از شدت خارش و حس زهمی که در کف پای ذهنیش داشت، امانش را می‌برد؛ حسی که توصیف آن به شکلی است که خواننده را با این حال رنج آور شریک و همراه می‌کند. این توصیفات که اغلب حسی هستند در جای جای داستان هم به چشم می‌خورد.

اما یکی از مساله‌هایی که نویسنده در چند بخش به آن اشاره می‌کند، بحث کافی نبودن یا بهتر است بگوییم عدم به روزرسانی گنجینه کلمات ماست. مثل فعل استفاده از پای مصنوعی که نمی‌دانند چطور باید از آن گفت چون به قول منصور نه لباس است که آن را بپوشد و نه کتش که پایش

کرد. این قضیه را که البته اینجا تنها مطرح شده تا بلکه پاسخی برای آن پیدا شود در دیگر بخش‌ها هم می‌شود دید. مثل روایت‌هایی که از عشق وجود دارد یا حس‌هایی که نامی برای‌شان تعریف نشده است. در واقع همه اینها به شکلی تأکید روی لزوم بازنگری در دایره لغات و فعل‌ای دارند که مدام با آنها سروکار داریم.

به اشتراک‌گذاری بخشی از جغرافیای سمنان تا دخیل کردن تعاریفی از قصه‌ها و فرهنگ آن منطقه با مخاطب هم از دیگر مواردی است که زارع در «نبودن» سراغش رفته و در کنار توصیفات حسی پررنگ، آنها را هم تعریف می‌کند. در کنار اینها و سردی که بواسطه همین نبودن‌هایی که هستند به اغلب بخش‌ها مستولی شده، پرش‌های زمانی در طول کارخ می‌دهد که گاهی خواننده برای لحظه‌ای از آن جا می‌افتد. این اتفاق البته باعث شده تا ریتم کلی داستان هم تا حدی حفظ شود و یکنواختی گریانش را نگیرد.

■ نبودن

■ نویسنده: مهدی زارع

■ انتشارات سوره مهر

عکس نوشت

تابلونقاشی «دخترک و یادکنک بنکسی» اثر «بنکسی» که پیش‌تر رشته‌رشته شده بود در یک حراجی به قیمت ۱۸.۵ میلیون پوند فروخته شد.

گاردین

...

برای اینکه دونفر برای هم خوب باشند، هر کدام باید ابتدا برای خود خوب باشد، تا موقعی که متوجه تنهایی خود نشویم، از دیگری به‌عنوان سپری در مقابل تنهایی استفاده می‌کنیم.

وقتی نیچه گریست
اروین د. یالوم/ سپیده حبیب

سیره رسول خدا-۱۱

بصیرت و حقیقت

رسول رحمت

اسماعیل علوی

دبیر گروه یاپیداری

در برابر آن دسته از رهبران و مبلغان که قداست هدف هر شیوه و وسیله‌ای را برای اقدام کافی می‌شمردن در دیدگاه پیامبر اسلام قداست و مشروعیت شرط لازم و اجتناب‌ناپذیر هم هدف و هم وسیله است.
براین اساس یکی از جلوه‌های حق محوری در سیره تبلیغی رسول گرانقدر اسلام (ص) پرهیز مطلق از هرگونه وعده خلاف واقع یا نشدنی است و این درس بزرگی به پیروان حقیقی اسلام می‌دهد که آیا می‌توان بدون پشتوانه عملی هر وعده و چشم‌اندازی را برای افراد جامعه ترسیم و اعلام کرد!

ابن هشام در سیره خود می‌نویسد: پیامبر نزد طایفه بنی عامر بن صعصعه رفت و دعوت الهی و نبوتش را به آنان عرضه کرد. مردی از ایشان به‌نام بحیره بن فراس گفت: به خدا سوگند اگر این جوان قریشی را داشتم عرب را به یاری او می‌بلیدیم.
آنگاه خطاب به پیامبر اکرم (ص) گفت: آیا اگر با تو بیعت کنیم و خدا تو را پیروز گرداند، پس از تو حکومت از ما خواهد بود؟ پیامبر پاسخ داد: حکم و فرمان از آن خداست، هر کجا خواهد گذارد. بحیره باز پرسید، پس آیا با این وصف ما به خاطر تو با عرب بجنگیم و چون تو پیروز گشتی سروری از آن دیگران باشد؟! ما را با تو کاری نیست. (سیره نبویه ج ۱ ص ۲۲۵)

سیره رسول اکرم (ص) آن نبود که مردم را در وعده‌های شیرین، رؤیاهای بیهوده و چشم‌اندازهای نامعقول و رؤیایی غرق سازد و از غفلت آنان بهره جوید، بلکه دعوتش کاملاً بر پایه بصیرت و حقیقت استوار بود. این شیوه مختص مخاطبان اولیه دعوت یعنی مشرکان نبود و شامل مؤمنان و جامعه اسلامی نیز می‌شد. آن حضرت (ص) هیچ گاه به مؤمنان وعده‌ای نمی‌داد که امکان تحقق نداشته باشد.

■ مبارزه با عوامفریبی و سنت‌های غلط

همچنین چون پیامبر اکرم (ص) یکی از بیماری‌های بزرگ بشر، بویژه جامعه شبه جزیره عربستان را عوامفریبی و سنت‌های بوج و عقاید بی‌پایه تشخیص داده بود، بلکه بت پرستی، آیین رایج آن سرزمین را جز نوعی عوامفریبی بزرگ نمی‌دانست به مبارزه جدی با این آفت کمربست و با روش‌های حکیمانه سعی در محو ریشه و مظاهر آن کرد. به نقل از ابوذر غفاری چون جناب سلمان برای اولین بار حضرت رسول (ص) را می‌بیند به پای آن حضرت می‌افتد و قصد بوسیدن پایای آن حضرت را می‌نماید.

رسول گرامی اسلام (ص) او را از این کار باز می‌دارد و می‌فرماید: ای سلمان! با من آنگونه که عجم با پادشاهان شان رفتار می‌کنند، رفتار مکن، من هم بنده‌ای از بندگان خدا هستم. (بحارالانوار ج ۷۶ ص ۶۳)

پیشگیری پیامبر اکرم (ص) از جنگ و خونریزی و تجدید خاطرات تلخ دوران جاهلیت درواقع نمونه‌های بارز مبارزه آن حضرت با سنت‌های غلط دوران جاهلی است.

روزی یکی از بزرگان کفر به‌نام «شاس بن قیس» به گروهی از انصار رسید و از الفت و همبستگی آنها که از دو قبيله اوس و خزرج بودند سخت آزرده شد. برای تفرقه میان آنان، نقشه‌ای ریخت و جوانی یهودی را برای یادآوری یوم بعثت – جنگ‌های طولانی اوس و خزرج – برانگیخت، او دست به کار شد و اشعار ی نیز در این باره نقل کرد. بعضی از مسلمانان فریب خوردند و به نزاع و مشاجره پرداختند. حتی یکی از طرفین گفت: اگر بخواهید دوباره همان جنگ را برپا می‌کنیم و موعدی برای درگیری تعیین کردند. خبر به پیامبر خدا (ص) رسید. شتابان نزد وی رفته و فرمود: ای مسلمانان خدا را خدا!! یا من در میان شما هستم و شما اینگونه ادعاهای جاهلی می‌کنید در حالی که خدا شما را به اسلام هدایت و اگزام کرده است و از کفر نجات داده و دل هاتان را به هم پیوند داده؟! انصار متوجه شدند که این نیرنگ شیطان بوده پس با امتثال فرمان پیامبر طریق هدایت در پیش گرفتند. (سیره نبویه ج ۱ ص ۵۵۶)

